

معلم شده ایم که برویانییم

برای تربیت، در نهایت به بی تربیتی
بینجامد! در این روزهای آغازین بهار که
به طور طبیعی همگی حس خوب رویدن
را تجربه می کنیم، شایسته است پیش از
خراب شدن فرصت ها، به چند سؤال و
نکته توجه و ان شاء الله از آن ها استفاده
کنیم:

- چه اندازه درباره کارنامه زندگی خود
در سال گذشته اندیشیده ایم؟

- چه اندازه درباره برنامه زندگی خود در
سال پیش رو می اندیشیم؟

- در کنار سنجش ساحت های مادی و
معنوی خود، در یک کلام، آیا معرفت و
نورانیت زندگی مان نسبت به سال گذشته
رشد داشته یا خدای ناکرده دچار افت
شده است؟

- یک خودآزمایی خوب می تواند این
باشد که از خود پرسیم، آیا نسبت به
سال گذشته عشق و علاقه ما به مربیگری
و معلمی بیشتر شده یا کمتر شده است؟
چرا؟

- آیا امسال با روحیه و انگیزه بهتر به
تعلیم و تربیت می اندیشیم و می پردازیم، یا
رگه هایی از کاهش انگیزه و ضعف اعصاب
در خود احساس می کنیم؟

مشکل برخی از ما مربیان و معلمان
این است که در حالی که می خواهیم به
شاگردانمان نور بدهیم، از نور خودمان
کم می شود و گاهی پیش از آنکه آن ها را
سوار کنیم، خودمان پیاده می شویم، چون
یا نیت و هدف را خوب انتخاب نکرده ایم،
یا راه و روش را درست نمی شناسیم! مربی
باید خود را کنترل کند تا در تربیت، غضب
و غیظ یا پرگوئی و کم عملی او را فرا
نگیرد. امیرالمؤمنین (ع) در خطبه
شصت و نهم نهج البلاغه می فرماید: «لا
أرى إصلاحكم بإفساد نفسي». اصلاح
شما را با تباه ساختن روح خودم جایز
نمی شمرم.

اگر معتقدیم معلمی شغل انبیاست،
خوب است همگی به این نکته درس آموز
توجه کنیم که انبیای الهی در تربیت

اعلام رسمی بهار، درونمان آمدنش
را حس می کردیم و با مرور آن چقدر
احوالآتمان خوش می شد! خالق حکیم،
زندگان را به گونه ای آفریده است که
همگی به استقبال بهار می روند، با
تمام وجود آن را درک می کنند و با
آن حیات خود را بارورتر می سازند. این
یکی از نموده های پررنگ کثرت در عین
وحدت است که در گفت و گوی پیشین
قدری درباره آن صحبت کردیم. در آنجا
گفتیم که خداوند متعال همه مخلوقات،
سایر انسان ها و خود ما را به گونه ای
آفریده است که در عین کثرت زیبایی
موجود، همگی سخن گوی یک وحدت
بنیادین و مستحکم هستیم. حال باید
بگوییم، روییدن همگانی در بهار، یکی
از بزرگ ترین و زیباترین جلوه های
هدفمندی و وحدت در هستی است.

● با هم قرار گذاشته بودیم همچون
بهار بروییم و برویانییم و اینک یکی از آن
فرصت های طلایی است. در باب روییدن
خود باید گفت، شرط آنکه تنه درخت
سیراب و زنده شود، آن است که ریشه
درخت سالم و زنده باشد و اگر ریشه و
تنه شاداب و سرزنده باشند، می توانیم
منتظر برگ ها و میوه های خوب باشیم.
رویاندن را تنها و تنها از مربی و معلمی
می توان انتظار داشت که خود به خوبی
شکوفا شده و روییده باشد و این مهم
زمانی محقق می شود که معلم و مربی در
عین استحکام و آرامش، پویایی و رشد
دائمی داشته باشند. معلم و مربی بیش
و پیش از دیگران باید به ارتقا و تعالی
زندگی انسانی، اسلامی و انقلابی خود
اهتمام داشته باشد تا وجودش هدایتگر
و همراه دیگران به خیر و سعادت بشود.
به بیان بزرگان تعلیم و تربیت، کسی که
خودش را نساخته و تربیت نکرده باشد،
اگر هم بخواهد دیگران را تربیت کند،
نه تنها فایده ندارد، بلکه گاهی اثر عکس
می گذارد و چه بسا تلاش های ظاهری اش

● بهاری که همه منتظرش بودیم
بالآخره از راه رسید. یقین دارم همه
شما بارها و بارها دلهره های اشتیاق را
تجربه کرده اید. گاهی انسان دلهره ها و
اضطراب هایی را احساس می کند که از
انتظار برای واقعه ای تلخ یا ناگوار ناشی
است، اما گاهی غوغایی درون انسان
برپا می شود که پر از شیرینی و اشتیاق
است. گاهی آن چنان هیاهویی از نشاط و
سرزندگی در وجود ما شکل می گیرد که
نه تنها هر اندازه سعی کنیم، نمی توانیم
جلوی بروز و ظهورش را در زندگی مان
بگیریم، بلکه اگر کوچک ترین راهی برای
خودنمایی آن باز کنیم، تمام اطراف و
اطرافیان می توانند وجودش را به خوبی
درک کنند و از آن بهرهمند شوند.
حتماً یادتان هست که اندکی پیش از



گرفت و برایش ارزش و حرکت قائل شد تا بتواند فکر کند؛ زیرا نحوه فکر کردن او، در تصمیم‌های بیست سال آینده‌اش تأثیر مستقیم خواهد داشت. آیا کودک و نوجوانی که فرصت فکر کردن نیابد، اصلاً خدا برایش مطرح می‌شود که بخواهد در برابر او خشوع و تعظیم کند؟ آیا اصلاً می‌تواند به مخلوقات و مردم فکر کند تا در آینده کمک کار آن‌ها باشد؟ پس بیا بید متربیانمان را زیر آوار امر و نهی گرفتار نکنیم.

چهارم، واحد دیدن صفات پسندیده؛ صفات پسندیده در انسان مطلوب مبناهای متفاوت ندارند که جدا جدا مطرح شوند. شجاعت، گذشت، قناعت و تلاش کثرت‌هایی هستند که به یک وحدت برمی‌گردند و آن چیزی نیست جز «حسن‌ظن به خدا». تقویت حسن‌ظن به خدا و اعتماد به او تعبیه‌ی راهی از درون به نامحدود است. این کار اساس تربیت و مادر کل صفات و خصوصیات مطلوب و متعالی انسان را تشکیل خواهد داد. راه این است که او با خدا، آن‌چنان که هست، آشنا و مأنوس شود تا صفات عمیق و ریشه‌دار در او نمود پیدا کنند و در شادی و غم یا سلامت و بیماری احساس تنهایی و غربت نکند.

نکته آخر اینکه هیچ انسانی در هیچ مرحله‌ای از معلم و مربی بی‌نیاز نیست. ماه‌های مبارک رجب، شعبان و رمضان فرصت‌هایی طلایی برای راهنمایی ما و متربیانمان به بهترین معلمان و مربیان بشریت است؛ همان‌ها که تربیت‌شدگان بی‌واسطه پروردگار متعال برای هدایت انسان‌ها هستند. یکی از القاب زیبا و دل‌انگیز امام زمانمان، که در زیارت‌های آن حضرت آمده است، «ربیع‌الانام» به معنای بهار انسان‌ها و باران بهاری است. بیا بید با هم به بهار واقعی سلام دهیم:

«السلام علی ربیع‌الانام و نظرة‌الایام: سلام بر بهار اهل عالم و صفا و شادی‌بخش روزگار!» ■

مردم، اعم از زن و مرد یا پیر و جوان، به هیچ عنوان دچار ضعف اعصاب یا افت روحیه و انگیزه نمی‌شدند و شاگردان خود را چنان تربیت می‌کردند که خودشان هم تربیت می‌شدند. حتی پیامبر اکرم (ص) در عین اهتمام بی‌نظیر به تربیت انسان‌ها، خودشان هم تعالی می‌یافتند. این یعنی اگر معلم راه تربیت را اصیل و الهی انتخاب کند، تربیت «دوطرفه» خواهد شد و مربی و معلم نیز مانند مربی و شاگرد کسب نور می‌کند، نه اینکه نورانیت و آرامش و وقار خود را از دست بدهد. به بیان دیگر، اصلاح، رشد و تعالی متربیان، به هیچ عنوان نباید به قیمت افت، فساد و خرابی مربی انجام شود.

● معلم و مربی شده‌ایم که برویانیم. عالمان بزرگ تعلیم و تربیت در این زمینه آموزه‌هایی دارند که چند نکته از آن‌ها را به همکاران گرامی هدیه می‌کنم:

اول، همراهی با حفظ فاصله؛ یعنی در تربیت باید از فرزند یا شاگرد فاصله گرفت تا شکوفا شود. نصیحت، موعظه و تمرین باید همه برای فاصله‌گرفتن‌های لازم طراحی شود و الزام، فشار، حیا و خجالت دادن کار را مصنوعی می‌کند و با پیدایش کوچک‌ترین راه فرار، دوباره سر جای خودش برمی‌گردد. انسان باید با پای خودش برود، نه اینکه او را ببرند.

دوم، معرفی ملاک بیش از تعیین مصداق؛ یعنی از راه‌های مناسب، بیش از آنکه مصداق‌های خوب و بد را مدام یادآوری کنیم، ملاک خوب و بد عمل را به فرزند یا شاگرد یاد بدهیم. ما همیشه در کنار متربیان خود نیستیم که کارها را برای ما و با ترازوی ما انجام دهند. اگر آن‌ها ملاک‌ها را یاد بگیرند و درک کنند، خودشان با دلیل و بصیرت راه را دنبال می‌کنند.

سوم، فرصت‌سازی برای پرورش اندیشه؛ یعنی تربیت سیری هماهنگ دارد. باید کودک و نوجوان را جدی